

«کاری نیمه تمام از مردی تمام»

«غزل‌های سعدی، تصحیح [بدون] توضیح دکتر غلامحسین یوسفی»

دکتر کاووس حسن‌لی*

چکیده

سخن‌شناسان و سخن‌سنجان زبان فارسی، غزل‌های سعدی شیرازی را همواره از شاهکارهای بی‌همانند شعر فارسی به شمار آورده‌اند. دیوان غزلیات سعدی تاکنون چندین بار تصحیح و منتشر شده است. یکی از این تصحیحات که در سال ۱۳۸۵ (شانزده سال پس از درگذشت شادروان دکتر یوسفی) منتشر شد، کتابی است با نام **غزل‌های سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی**. این تصحیح که با همکاری دکتر پرویز اتابکی صورت پذیرفته است، با متن غزل‌های سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی تفاوت‌های آشکار دارد، اما بسیاری از این تفاوتها در کتاب نشان داده نشده است، در حالی که متن مصحح فروغی، یکی از منابع مورد استفاده در تصحیح یاد شده بوده است. غلامحسین یوسفی پیش از تصحیح غزل‌های سعدی، تصحیح **بوستان** و **گلستان** را به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۳ منتشر کرده بود، اما از دیدگاه کیفی، اثر اخیر او هرگز همسنگ با دو اثر گذشته‌اش نیست. در این مقاله مواردی از تفاوت‌های متن غزل‌های سعدی در دو تصحیح فروغی و یوسفی مقایسه و بررسی شده است.

*- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

چاپ این کتاب در کنار چاپ فروغی و چاپهای دیگر نشان می‌دهد که این متن
گرانمایه تا چه اندازه هنوز نیاز به تصحیح دارد.

واژه‌های کلیدی

غزل سعدی، محمدعلی فروغی، غلامحسین یوسفی

۱. در آمد

دیوان غزل‌های سعدی به گواهی همه اهالی ادب، یکی از خواندنی‌ترین و پایدارترین
متون ادب پارسی است که از سده هفتم هجری تاکنون به گونه‌ای گسترده در همه
دوره‌های ادبی ایران حضوری فراگیر داشته است.

محمدعلی فروغی، به مناسبت هفتصدمین سال نگارش بوستان و گلستان با کوششی
ستودنی برخی از نسخه‌های خطی آن دو کتاب را گردآوری، مقابله و تصحیح کرد و متن
فراهم آورده او در سال ۱۳۱۶ شمسی منتشر شد. پس از آن نیز - تا سال ۱۳۲۰ شمسی
- فروغی آثار دیگر سعدی و از آن جمله غزل‌های او را با مقابله چندین نسخه گرانمایه
تصحیح و منتشر کرد.

در پیوند با سعدی، تاکنون هیچ اثری به اندازه متن مصحح فروغی منتشر نشده است.
از همین رو، نام محمدعلی فروغی در دهه‌های گذشته، به گونه‌ای آشکار و سزاوار، به
نام سعدی گره خورده است. فروغی شیوه برخی از نسخه‌های کهن را در تدوین و
تنظیم آثار سعدی نپسندیده و آنها را به شیوه‌ای دیگر سامان داده است. سه مورد از
مهمترین دستکاری‌های فروغی به شرح زیر است:

۱- غزلها، قصیده‌ها و... را با توجه به موضوع آنها دسته‌بندی کرده و در کنار هم
نشانده است. او در همین باره نوشته است: «می‌توان کلیه آثار شیخ را به این دو قسمت
منقسم نمود: یکی موعظه و حکمت، دیگری مغالزه و معاشقه. روشی که ما در فراهم
ساختن این دو مجلد پیش گرفتیم، مبنی بر این تقسیم است. بنابراین، آنچه از غزلیات و

رباعیات و قطعات را که صورت مغالزه دارد، در یک مجلد گرد آوردیم... و قصاید را که اکثر مشتمل بر پند و اندرز است، با غزلهایی که صرف حکمت و موعظه است و رباعیات و قطعاتی که این حال را دارد، به مجلد دیگر... محول می‌داریم» (فروغی، ۱۳۲۰: ۶۵).

۲- در نسخه‌های قدیم، غزلهای سعدی در چند دسته «طبیات»، «بدایع»، «خواتیم» «غزلیات قدیم» و... گرد آمده‌اند، اما فروغی همه این غزلها را در هم آمیخته و آنها را براساس حروف قافیه، سامان‌البیای داده است. او در این باره گفته است: «کسانی که معتقدند این تقسیمات از خود شیخ است، ممکن است این تصرف ما را نپسندند و لیکن آنچه ما را بر اختیار این روش برانگیخت، این بود که یقین نمی‌توان داشت که این تقسیمات از خود شیخ باشد...» (همان).

۳- فروغی همچنین برخی از سروده‌های سعدی را بنا به نظر و سلیقه خود از کارنامه سعدی حذف کرده یا آنها را به بخش ملحقات برده است: «... در یکی دو نسخه غزلهایی یافتیم که گمان بردیم از شیخ نیست؛ پس آنها را جداگانه به نام «ملحقات» در آخر کتاب قرار دادیم، تا درباره آنها تحقیق و توجه بیشتر بشود... در عوض، اشعار و قطعاتی که در گلستان آمده است، درجش را در این مجموعه لازم ندانستیم و آنچه را هم که مشتمل بر الفاظ و عبارات رکیک است، شایسته حذف پنداشتیم...» (همان: ۱۲).

با درنگ در آنچه گفته شد و نیز با توجه به آن که نشانی نسخه بدلها در متن فروغی وجود ندارد، روشن می‌گردد که متن فراهم آورده او، بر مستندات استوار و اصول کامل علمی متکی نیست، اما متنی شیرین و عمومی است. نگاه آن زنده یاد، در تدوین و انتشار کلیات سعدی، بیشتر به سوی استفاده‌کنندگان عمومی بوده است تا پژوهشگران ادبی و این نگاه در عبارتی درنگ‌آمیز (!) که در توجیه یکی از دستکاری‌ها نوشته، آشکارا بازتابیده است؛ او در دفاع از روش خود - تقسیم غزلها، قصیده‌ها، قطعه‌ها و... به دو دسته «موعظه و حکمت» و «مغالزه و معاشقه» - گفته است: «... اگر کسی معتقد باشد که خواندن اشعار مغالزه برای کسانی که در آغاز جوانی هستند،

مناسب نیست، می‌تواند جوانان را از مطالعه این مجلد باز دارد و مجلد دیگر را بی‌دغدغه خاطر در دست آنان بگذارد» (همان: ۶).

۲. غزلهای سعدی به تصحیح یوسفی

در دهه‌های گذشته، برخی از دیگر استادان سعدی‌شناس به تصحیح و شرح متن آثار سعدی پرداخته‌اند که یکی از نامدارترین آنها شادروان غلامحسین یوسفی است. دو کتاب ارزشمند بوستان و گلستان را که یوسفی با شیوه‌ای علمی و شایسته تصحیح کرده و توضیح داده بود، به ترتیب در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۸ منتشر شد و چنان که انتظار می‌رفت، با استقبال فراگیر صاحب‌نظران رو به رو گردید و درباره آن دو کتاب، نوشته‌های متعدد پدید آمد.^۱ وجود فهرستهای گوناگون - و از آن جمله فهرست نسخه بدل‌ها - در کنار توضیحات سودمند دکتر یوسفی در هر دو کتاب یاد شده، بر ارزش کار او افزوده است.

دوستاناران آثار سعدی پس از انتشار این دو اثر گرانمایه، چشم به راه سامان‌یابی و انتشار آثار دیگر سعدی، از سوی دکتر یوسفی بودند که شوربختانه خبر بیماری جانکاه او بسیار زودتر از آن منتشر شد و آن مرد فرزانه، در سال ۱۳۶۹، کار تصحیح و توضیح غزلهای سعدی را نیمه تمام رها کرد و به جهان دیگر شتافت.

شادروان پرویز اتابکی - دوست و همکار دیرین یوسفی - که پیش از آن در مقابله و تصحیح ۳۱۷ غزل با یوسفی همکاری کرده بود، با همتی ستایش برانگیز کار او را پی گرفت و با دستگیری همسر دکتر یوسفی - بانو رفعت صفی‌نیا نایینی - غزلهای باقی‌مانده را به همان شیوه استاد، تصحیح و تدوین کرد و بالاخره این اثر گرانمایه در سال ۱۳۸۵ از سوی انتشارات سخن منتشر شد؛ زمانی که یوسفی و اتابکی هر دو در خاک خفته بودند.

اتابکی می‌نویسد: «استاد یوسفی با وجود ضعف مفرط ناشی از بیماری و التزام درمان و عوارض آن، تا آخرین لحظه پرتنمر خود دست از تحقیق و تتبع و بویژه

تصحیح این اثر مهم برداشت و تا ۴۱۸ غزل سعدی را به ترتیبی که در کتاب حاضر آمده، بررسی و مقابله و تصحیح کرد (یوسفی، ۱۳۸۵: پانزده).

کتاب **غزل‌های سعدی**، تصحیح غلامحسین یوسفی از چند بخش تشکیل شده است:

الف: نوشته‌های آغازین (۴۵ صفحه) به شرح زیر:

فهرست مطالب، یادداشت خانواده دکتر یوسفی، نوشته‌ای با عنوان «توضیحی در مورد این چاپ از غزل‌های سعدی، از دکتر پرویز اتابکی، مقدمه به قلم دکتر یوسفی، تصویر دو یادداشت به دستخط دکتر یوسفی، مقاله‌ای از دکتر یوسفی درباره غزلی از سعدی به مطلع «همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی» که پیش از آن در کتاب چشمه روشن به چاپ رسیده است.

ب: متن غزل‌های سعدی (۳۳۹ صفحه) شامل ۷۱۳ قطعه شعر، که به ترتیب به شرح زیر است:

کتاب الطیبات، بدایع، خواتیم، ترجیعات و غزل‌های الحاقی.

ج: شرح نسخه بدل‌ها (۳۱۸ صفحه)

د: فهرستها (۱۳۴ صفحه) به شرح زیر:

فهرست اشعار (به ترتیب حروف اول)، فهرست اشعار (به ترتیب حروف قافیه) و کشف الایات.

همان‌گونه که دیده می‌شود، در این کتاب جای بخش مهمی خالی است؛ بخشی که متأسفانه مرگ زود هنگام دکتر یوسفی به او فرصت نوشتن آن را نداد تا همچون بوستان و گلستان آن را به کمال برساند و آن بخش توضیح و شرح متن غزلهاست، اما متأسفانه بر روی جلد کتاب عنوان «تصحیح و توضیح دکتر یوسفی» نوشته شده است، در حالی که این کتاب تصحیح بدون توضیح است.

اینک که متن «غزل‌های سعدی» به تصحیح دکتر یوسفی منتشر شده است، اختلافات فراوان میان این متن و متن مصحح فروغی دیده می‌شود. نخستین تفاوت آشکار این دو

متن تنظیم غزلهاست. دکتر یوسفی در این باره نوشته‌اند: «چون نسخه‌های قدیم چنان که پیش از این گفته شد- به ترتیب الفبایی نیست و واقعیت نیز مقتضی آن است که شاعر آثار خود را به ترتیب الفبایی قوافی نمی‌سراید، بنابراین، در تصحیح غزلهای سعدی، با توجه به نسخه‌های مورد نظر، این سؤال پیش می‌آید که برای توالی غزلهها چه ترتیبی باید قایل شد؟ تتبع فراوان و مقایسه‌های مصحح، سرانجام به این نتیجه رسید که فقط از این حیث نسخه‌ای را که در میان قدیمترین نسخه‌ها، جامعترین آنهاست؛ یعنی غزلهای بیشتری را در بردارد، ملاک قرار دهد و آن نسخه «آ» (آستان قدس رضوی، مورخ ۷۶۶ هـ.ق) است که به اصطلاح «اجمع اقدم» نسخه‌هاست... غزلهای سعدی در نسخه‌های قدیم که مورد استفاده مصحح بوده، به طبیات، بدایع و خواتیم تقسیم شده... در این جا نیز همان تقسیمات رعایت شده است (یوسفی، ۱۳۸۵: بیست و سه و بیست و چهار).

برای آن که بخشی از تفاوت‌های متن غزلهای سعدی در تصحیح یاد شده بازشناسی شود، ۴۰ قطعه شعر از این دو متن با هم سنجیده شد: ۲۰ قطعه از آغاز اثر دکتر یوسفی (از شماره ۱ تا ۲۰) و ۲۰ قطعه از میانه آن (از شماره ۳۵۱ تا ۳۷۰). در این بررسی آشکار شد که از بیست قطعه شعر نخست، تنها متن دو قطعه شعر است که در هر دو اثر یاد شده، بدون اختلاف ضبط شده است (شماره‌های ۸ و ۱۵) و در بیست غزل میانی، تنها چهار غزل بدون اختلاف وجود دارد: شماره‌های ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۸ و ۳۶۹. این اختلافات شامل مواردی، چون: ضبط واژه‌ها، جابه‌جایی مصراعها، تعداد بیت‌ها و توالی آنهاست و در مجموع، در ۱۱۲ بیت از ابیات چهل سروده بررسی شده اختلاف ضبط وجود دارد.

افزون بر هفده نسخه خطی که دکتر یوسفی در تصحیح متن «غزلهای سعدی» از آنها بهره برده و در مقدمه کتاب معرفی کرده است، در صفحه سی و سه همان مقدمه از دو نسخه به عنوان «نسخه‌های چاپی مورد استفاده در تصحیح غزلهای سعدی» نام برده که یکی از آنها چاپ محمدعلی فروغی است، اما در تمام چهل قطعه شعر بررسی شده با وجود اختلافات فراوان، تنها یک بار به ضبط فروغی و توضیح کوتاه او در پاورقی

اشاره شده است (شعر شماره ۹، بیت ۴).

با توجه به این که در طول دهه‌های پیشین، چاپ غزلیات سعدی در ایران، معمولاً براساس چاپ فروغی صورت پذیرفته و غزل‌های سعدی براساس ضبط فروغی به گونه‌ای گسترده در ذهن و زبان مردم جاری شده است، شایسته بود دست کم موارد مهم اختلافها در کنار نسخه بدل‌های نسخ خطی نوشته می‌شد، تا علل برخی از این تفاوتها روشن شود. از میان ۱۱۲ بیتی که در چهل سروده بررسی شده در چاپ یوسفی و فروغی اختلاف ضبط دارند، چند مورد از این تفاوت ضبطها، برای نمونه باز نموده می‌شود:

۱- شعر شماره سه در چاپ یوسفی قصیده‌ای است با ۳۶ بیت، به مطلع:

فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد

این قصیده در چاپ فروغی ۳۵ بیت دارد، در بخش مواعظ آمده و توالی ابیات آن با چاپ یوسفی کاملاً متفاوت است. در نیمی از بیت‌های این قصیده نیز ضبط یوسفی با ضبط فروغی تفاوت دارد؛ از آن جمله می‌توان به دو مورد زیر اشاره کرد:

- بیت‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ این قصیده در چاپ یوسفی چنین است:

سر چیست تا به طاعت او بر زمین نهند جان در رهش دریغ نباشد تثار کرد
گویی دوام روح که در کالبد دمید؟ یا عقل ارجمند که با روح یار کرد؟
بخشنده‌ای که سابقه فضل و رحمتش ما را به حُسن عاقبت امیدوار کرد

مصراع نخست بیت میانی در کانون توجه ماست: «گویی دوام روح که در کالبد دمید». به یاد داشته باشیم که روح در بدن دوام ندارد و آن را ترک می‌کند. بر این موضوع از سوی سعدی و شاعران دیگر بارها پای فشرده شده است. حال همین بیت را در چاپ فروغی ببینیم: در این چاپ، بیت یاد شده چهاردهمین بیت از قصیده است و ضبط آن در میان بیت‌های ۱۳ و ۱۵ به شکل زیر است:

شکر کدام فضل به جای آورد کسی حیران بماند هر که در این افتکار کرد
گویی کدام؟ روح که در کالبد دمید یا عقل ارجمند که با روح یار کرد

لال است در دهان بلاغت زبان وصف از غایت کرم که نهان و آشکار کرد

فروغی در پاورقی قصیده، در پیوند با بیت میانی، این یادداشت کوتاه را نوشته است:
«در نسخه‌ها این بیت مشوش است و به قیاس تصحیح شد» (فروغی، ۱۳۶۴: ۷۱۲).

در چاپ یوسفی به هیچ کدام از موارد بالا اشاره نشده است. شایسته یادآوری است
که حبیب یغمایی بیت یاد شده را به صورت زیر ضبط کرده است:

«گویی که جان و روح که در کالبد دمید یا عقل ارجمند که با روح یار کرد»

۲- بیت ۳۳ در همین قصیده، در چاپ یوسفی این گونه است:

سعدی هر آن نفس که برآورد در سحر چون صبح در بسیط جهان انتشار کرد

این بیت سی و دومین بیت قصیده در چاپ فروغی است و به شکل زیر ضبط شده
است:

سعدی به هر نفس که برآورد چون سحر چون صبح در بسیط زمین انتشار کرد

در ضبط فروغی مصراع نخست - به تنهایی - (بدون توجه به مصراع دوم) زیباتر از
ضبط یوسفی است: (نفس چون صبح برآوردن شاعرانه‌تر از نفس در صبح برآوردن
است) اما تألیف دو مصراع در ضبط یوسفی شایسته‌تر از ضبط فروغی است. آنچه
اکنون در این نوشته مورد نظر است، سنجش ضبطها نیست، بلکه سخن بر سر آن است
که نه در پاورقی فروغی اشاره‌ای به نسخه بدل‌های دیگر شده و نه در چاپ یوسفی به
ضبط «چون سحر» اشاره شده است. در نتیجه روشن نیست این ضبط را فروغی از
نسخه‌ای برگرفته یا اشتباه چاپی روی داده یا این که از تصرفات اوست.

۳- بیت ۹ از شعر شماره ۵، در چاپ یوسفی به شکل زیر است:

که سعدی از غم شیراز روز و شب گوید که شهرها همه گنجشک و ملک ما شهباز

پرسش این است که اگر شهرهای دیگر نسبت به شیراز همچون گنجشک نسبت به
شهبازند، چرا سعدی غم شیراز را می‌خورد! به ضبط فروغی نگاه می‌کنیم:

که سعدی از حق شیراز روز و شب می‌گفت که شهرها همه بازند و شهر ما شهباز

فروغی به گواهی یادداشت پاورقی همین قطعه، دست کم دو نسخه بدل متفاوت را پیش روی داشته است، «که سعدی از غم شیراز روز و شب گوید» و «که ملک‌ها هم بازند و ملک ما شهباز»، اما اشکال معنایی در تألیف دو مصراع باعث شده است که ضبط موجود در متن مصحح خود را برگزیند. یوسفی در شرح نسخه بدل‌های این بیت به پنج تفاوت اشاره کرده است (چ: از حق شیراز. ه: چ، مه: می گفت. ه: مه: همه بازست؛ پ: همه بازند. پ، مه: شهرما). اما باز هم سخن در این است که یوسفی - علی‌رغم آن که چاپ فروغی از چاپ‌های مورد استفاده او بوده - به ضبط متفاوت فروغی اشاره‌ای نکرده است.

۴- بیت ۱۰ از شعر شماره ۱۲ در چاپ یوسفی به شکل زیر است:

چشم عاشق توان دوخت که معشوق نیند نای بلبل نتوان بست که برگل نسراید

مصراع دوم این بیت در چاپ فروغی این گونه است:

«پای بلبل نتوان بست که برگل نسراید»

فروغی به هیچ نسخه بدلی در پاورقی اشاره نکرده است و در شرح نسخه بدل‌های یوسفی در پیوند با بیت یاد شده هیچ یادداشتی وجود ندارد.

بهاءالدین خرمشاهی در چاپ ویراسته خود، در پاورقی همین شعر نوشته است: «در بعضی نسخه‌های چاپی: نای». حال خواننده این بیت در چاپ فروغی می‌تواند از خود بپرسد: آیا ضبط «پای» به جای «نای»، در نسخه‌ای از نسخه‌های مورد استفاده فروغی بوده است؟ یا این که فعل «بستن» در مصراع یاد شده، فروغی را به اشتباه انداخته و «پای» را به جای «نای» ضبط کرده است؟ یا این که اصلاً هیچ کدام از اینها نبوده و یک اشتباه چاپی روی داده است؟ یوسفی در این مورد نه توضیحی داده و نه اشاره‌ای کرده است.

۵- بیت ۲ از شعر شماره ۱۹ در چاپ یوسفی این چنین است:

آن دوست که ما را به ارادت نظری هست با ما مگر او را به عنایت نظری بود

این بیت در چاپ فروغی این گونه است:

آن دوست که ما را به ارادت نظری هست با او، مگر او را به عنایت نظری بود

مصراع نخست ضبط یوسفی - به دلیل حذف نامناسب ضمیر - نابسامان است: آن دوست که ما را به ارادت نظری هست [به او یا با او]

فروغی - به گواهی یادداشت پاورقی همین غزل - نسخه بدل ضبط شده در چاپ یوسفی را پیش روی داشته، اما آن را برگزیده است. یوسفی به این اختلاف مهم - همچون موارد دیگر - اشاره‌ای نکرده است.

۶- چند نمونه دیگر از اختلافات موجود در دو چاپ یاد شده (در محدوده چهل سروده بررسی شده) که یوسفی و فروغی هیچ یک به نسخه بدلی دیگر اشاره نکرده‌اند:
غزل ۳۵۷، بیت ۱۱:

یوسفی: بیچاره به رویت آمدم باز	چون چاره نماند و احتمال
فروغی: بیچاره به رویت آمدم باز	چون جاره نماند و احتیالم

غزل ۳۵۷، بیت ۱۳:

یوسفی: چون دوست موافق است سعدی	سهل است جفای هر که عالم
فروغی: چون دوست موافق است سعدی	سهل است جفای خلق عالم

غزل ۳۶۴، بیت ۳:

یوسفی: چه شکایت از فراق که نداشتم ولیکن...
فروغی: چه حکایت از فراق که نداشتم ولیکن...
غزل ۳۶۴، بیت ۸:

یوسفی: دل هوشمند باید که به دلبری سپارد...
فروغی: دل هوشمند باید که به دلبری سپاری...
غزل ۳۶۵، بیت ۹:

یوسفی: گرچه تو بهتری و من از همه خلق کمتری

شاید اگر نظر کند محترمی به چاکری

فروغی: گرچه تو بهتری و من از همه خلق کمتری

شاید اگر نظر کند محترمی به چاکری

۳. نتیجه‌گیری

- انتشار کتاب **غزلهای سعدی**، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، که همراه با شرح کامل نسخه بدل‌ها صورت پذیرفته، یکی از اقدامات ارزشمند در کارنامه سعدی پژوهی است. استفاده از هفده نسخه ارزشمند خطی کهن، که برخی از آنها متعلق به نیمه نخست سده هشتم هجری است، بر ارزش این تصحیح افزوده است.

- متن غزلهای سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، به دلیل انتشار فراوان آن در دهه‌های گذشته، برای بسیاری از مردم ایران، متنی آشنا و پذیرفتنی شده است. در متن مصحح دکتر یوسفی و متن مصحح فروغی اختلافات فراوان دیده می‌شود (این دو متن در حدود ۸۰٪ از موارد، اختلاف دارند). فروغی تنها به برخی از نسخه بدل‌ها در پاورقی اشاره کرده و نشانی هیچ کدام از آنها را نداده است. یوسفی نیز با آن که از متن فروغی استفاده کرده، در بخش نسخه بدل‌ها تفاوت‌های چاپ فروغی را باز ننموده است. در نتیجه دلیل بسیاری از ضبط‌های متفاوت فروغی روشن نیست.

- چنانچه در بخش «شرح نسخه بدل‌های» کتاب دکتر یوسفی به ضبط‌های متفاوت فروغی - با توجه به نسخه‌های مختلف خطی - نیز پرداخته می‌شد، بر ارزش این اثر بسیار می‌افزود.

- تکیه کردن بر نسخه‌های کهن و اصیل، از اصول شایسته تصحیح متون است، اما سرسپردگی و پای‌بندی بیش از اندازه به همه متن نسخه‌های اساس - آن هم نسخه‌هایی که دست‌نویس دیگران است - موجب استمرار نابسامانیها و آشفتگی‌هایی است که در بسیاری از متون دیده می‌شود. به گفته دکتر مؤید شیرازی «نمایان‌ترین کاستی در کار متن پژوهان ما این است که حتی نواندیش‌ترین و گستاخترین آنها (نفیسی، خانلری و اخیراً جوانترها) همواره در چهارچوبی پیش ساخته زنجیری بوده‌اند... برای این استادان، تکلیف روشن بوده است: اساس قرار دادن نسخه‌ای با اعتبار نسبی - و اغلب مشکوک - که صفات دیرینه‌ترین و... به آن می‌چسبیده، سنجش این نسخه‌ها با دستنویس‌های دیگر و آوردن موارد اختلاف در هاشم. و البته در همه حال از پروای لغزش و

دورماندن از مفهوم امانتداری بر خود لرزیدن....

امانتداری برای این گرامیان در حد یک تابو دهشت‌انگیز بوده است؛ تا آن جا که گاه این دهشت راه صلاح را بر آن عزیزان بسته است. گویی این نفوس زکیه آمده بودند تا به بهانه تصحیح متون، امانتداری خود را اثبات کنند و طرف این قرارداد غیرقابل فسخ هم اغلب، نسخه نویسان بی‌سواد و حق‌العمل کار بوده‌اند و نه آفرینندگان آن شاهکارها» (مؤید شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۶).

- چاپ کتاب **غزلهای سعدی**، از دکتر یوسفی، در کنار چاپ فروغی و چاپهای دیگر، آشکارا نشان می‌دهد که این متن گرانمایه تا چه اندازه هنوز نیاز به تصحیح انتقادی دارد.

- از گذشته‌های دور، خرد جمعی و ذوق عمومی مردم ایران پذیرفته است که دیوان شاعران را برای استفاده آسانتر، بهتر است به ترتیب الفبایی حروف قافیه تنظیم کنند. در این صورت، آیا تنظیم الفبایی همه غزل‌های سعدی به همان شیوه الفبایی شایسته‌تر نیست؛ بویژه آن که تاریخ سرایش غزلها و منشأ تقسیم آنها به چند کتاب (طبقات، غزلیات قدیم، بدایع و...)، برکسی آشکار نیست.

پی‌نوشتها

۱- جعفر مؤید شیرازی در کتاب **بازیافت بوستانی‌های سعدی** برخی از نابسامانیهای متن بوستان یوسفی را بازنموده است (ر.ک. بوستانی‌های سعدی، جعفر مؤید شیرازی، نشر ایما، ۱۳۷۷).

منابع

- ۱- فروغی، محمدعلی. (۱۳۶۴). **کلیات سعدی**، تهران: امیرکبیر.
- ۲- _____ (۱۳۲۰). **غزلیات سعدی**، تهران: کتاب فروشی و چاپخانه بروخیم.
- ۳- مؤید شیرازی، جعفر. (۱۳۷۷). **بازیافت بوستانی‌های سعدی**، شیراز: ایما.
- ۴- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۵). **غزلهای سعدی**، تهران: سخن.